

# The Efficiency of the "Common but Differentiated Responsibility" Principle in the Law of Climate Change

(Type of Paper: Research Article)

Ehsan Azizi<sup>1\*</sup>, Alireza Arashpour<sup>2</sup>, Leila Raisi Dezaki<sup>3</sup>

## Abstract

Climate change is the big tragedy of our era, which has affected or will affect all of the inhabitants of the Earth. The extent and intensity of the climate change phenomenon is such that combating it is impossible without global participation, and the mobilization of all available capacities. The law of climate change needed a way by which such a public participation could be realized. The formation of the "common but differentiated responsibility" (CBDR) principle was a response to this need. However, the efficiency of this principle has been doubted. Due to the continuation of climate change and its adverse effects, the question arises: is the CBDR principle efficient enough to solve a crisis which is threatening the survival of mankind? In this paper, some of challenges the CBDR principle is facing as a rule of international climate change law have been examined in order to evaluate its efficiency.

## Keywords

climate change, common but differentiated responsibility principle, developed countries, developing countries, greenhouse gases, climate change law.

---

1. Ph.D. Student, International Law Department, Law and Humanities Faculty, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Ehsan\_e\_azizi@yahoo.com

2. Associate Prof., University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: a.arashpour@ase.ui.ac.ir

3. Associate Prof., International Law Department, Law and Humanities Faculty, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Raisi.leila@gmail.com

Received: June 9, 2019 – Accepted: September 24, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## تحلیل کارایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در نظام حقوقی بین‌المللی تغییر اقلیم

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

احسان عزیزی<sup>۱\*</sup>، علیرضا آرش پور<sup>۲</sup>، لیلا رئیسی دزکی<sup>۳</sup>

### چکیده

تغییر اقلیم واقعیت تلخ روزگار ماست؛ پدیده‌ای آنچنان عظیم که لاجرم تمامی ساکنان سیاره زمین را متأثر از آثار نامطلوب خود ساخته است یا خواهد ساخت. وسعت و شدت این پدیده به حدی است که بدون مشارکت همگانی و بسیج تمامی امکانات موجود، مقابله با آن امکان‌پذیر نیست. از این رو نظام بین‌المللی تغییر اقلیم نیازمند راهی بود تا این مشارکت همگانی را محقق سازد. در واقع، شکل‌گیری اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت با ظاهری منطقی و منصفانه، پاسخی به این نیاز بود. با این حال، کارایی این اصل به‌عنوان راه‌حل مورد توافق همگان، همواره مورد تردید بوده است. با ادامه و حتی تشدید تغییر اقلیم و آثار نامطلوب آن در مقیاس جهانی، این پرسش پیش می‌آید که آیا اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت از کارایی لازم برای حل بحرانی که بقای نوع بشر را مورد تهدید جدی قرار داده، برخوردار است؟ در این مقاله با برشمردن برخی چالش‌ها که اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت برای حاکمیت بر نظام بین‌المللی تغییر اقلیم با آن روبه‌روست، میزان کارایی این اصل در این نظام بررسی و تحلیل شده است.

### کلیدواژگان

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، تغییر اقلیم، کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای در حال توسعه، گازهای گلخانه‌ای، نظام بین‌المللی تغییر اقلیم.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

Email: Ehsan\_e\_azizi@yahoo.com

(خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: a.arashpour@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)،

Email: Raisi.leila@gmail.com

اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲

## مقدمه

برخی اندیشمندان بزرگ مانند استیون هاوکینگ تغییر اقلیم یا همان تغییرات آب‌وهوایی<sup>۱</sup> را بزرگ‌ترین تهدید علیه نوع بشر تلقی کرده‌اند. این پدیده که اغلب ریشه در فعالیت‌های بشری دارد، دارای دامنه وسیع و آثار نامطلوب فراوانی است و مقابله با آن، اجماع کل جامعه بین‌المللی را با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود می‌طلبد. جامعه جهانی برای حل مسئله تغییر اقلیم و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، به تدوین اسناد و مقررات بین‌المللی توسل جسته است. این چارچوب از قواعد که به طور معمول با عنوان «نظام (رژیم) بین‌المللی تغییر اقلیم»<sup>۲</sup> از آن یاد می‌شود، اغلب شامل کنوانسیون ساختاری ملل متحد بر تغییر اقلیم، پروتکل کیوتو و توافقنامه آب‌وهوایی پاریس است. هرچند این نظام فاقد تعهدات الزام‌آور در زمینه ممنوعیت «مطلق» انتشار گازهای گلخانه‌ای است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۸)، پایه و اساس اقدام‌های جهانی برای مقابله با پدیده تغییرات آب‌وهوایی به حساب می‌آید. با اینکه تغییر اقلیم نگرانی مشترک و تهدیدی جدی علیه تمامی ملل جهان است، لکن مسئله به‌نوعی در کنش متقابل با اصل حاکمیت ملی کشورها نیز قرار دارد (Josephson, 2017: 1). در کنار ارتباط نزدیک با اصل حاکمیت ملی، اصل برابری دولت‌ها نیز حائز توجه است (Cullet, 2003: 19). در واقع این اصول باید تعدیل شوند تا بتوان تغییر اقلیم را متوقف ساخت یا آثار آن را کاهش داد. از سوی دیگر، با اینکه کشورهای توسعه‌یافته فعلی نقش بسیار فعال‌تر و بیشتری در ایجاد تغییر اقلیم داشته‌اند، برخی از فقیرترین کشورها بدترین تبعات این تغییرات را تجربه می‌کنند. در نتیجه، براساس اصل انصاف این نابرابری اقتصادی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. یک واکنش بین‌المللی مهم به چنین نابرابری اقتصادی، و در عین حال جذب حداکثری دولت‌های جهان، طراحی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت<sup>۳</sup> است (Okowa, 2009: 316). به اعتقاد بسیاری صاحب‌نظران اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت به‌عنوان تکنیکی ظریف به همبستگی دولت‌ها برای ایجاد کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیستی و در نتیجه تحقق حاکمیت قانون و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، به‌خصوص در حوزه تغییر اقلیم، کمک شایانی کرده است (عبدالهی و معرفی، ۱۳۸۹: ۲۰۲). در واقع، هدف اصلی از تدوین این اصل، جلب توجه جدی همه دولت‌ها برای مقابله با معضل جهانی تغییر اقلیم و در عین حال لحاظ کردن توانایی‌ها و ظرفیت‌های هر کشور در این تقابل است. مع‌هذا، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت متمایل به منافع کشورهای فقیرتر است و تفاوت‌ها و امتیازهایی برای آنها قائل می‌شود.

1. Climate Change

2. International Climate Change Regime

3. Common but Differentiated Responsibilities Principle (CBDR)

منطق موجود در اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت سبب شد تا دولت‌های مختلف جهان بتوانند بر یک چارچوب حقوقی بین‌المللی برای مقابله با تغییر اقلیم، در دهه ۱۹۹۰، توافق کنند. برای اجرایی ساختن اصل مذکور براساس کنوانسیون ساختاری ملل متحد، مسئولیت‌های اعضای مختلف براساس دسته‌بندی دوگانه‌ای که صورت گرفت، از یکدیگر متمایز شد. دسته کشورهای عضو «ضمیمه ۱» که در سال ۱۹۹۲ شامل کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup>، به‌علاوه کشورهای که در حال گذار به سوی اقتصاد بازار<sup>۲</sup> بودند، در مقابل کشورهای «غیر ضمیمه ۱» که شامل کشورهای در حال توسعه به‌طور عام می‌شد، طرفین این تقسیم‌بندی دوگانه را تشکیل دادند. امروزه کشورهای در حال توسعه با حمایت از دسته‌بندی مذکور بر این نکته تأکید می‌کنند که تقریباً تمامی کشورهای که الگوی انتشار گازهای گلخانه‌ای آنها در حدود «دوستدار آب‌وهوا» قرار دارد، کشورهای در حال توسعه فقیرند. از دیدگاه آنها، اجرا و اعمال اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می‌تواند تضمین‌کننده «حق بر توسعه» آنان باشد (Kantha et al., 2014: 51). در مقابل گروه کشورهای توسعه‌یافته و در رأس آنها آمریکا، این اصل را به‌عنوان یک اصل الزام‌آور حقوقی مورد اعتراض قرار داده و در تلاش برای افزایش همگنی و یکسانی تعهدات اعضا هستند (Harris & Symons, 2013: 12-13).

گوناه‌گونی و تفاوت‌های ساختاری میان کشورهای عضو گروه کشورهای در حال توسعه و ایجاد و رشد بسیار سریع اقتصادهای نوظهوری همچون چین و هند که هر دو در زمره تولیدکنندگان عمده گازهای گلخانه‌ای قرار دارند، اعتبار قرائت اولیه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را زیر سؤال برده است (Deleuil, 2012: 271). تقسیم‌بندی کشورها به دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه به سختی واقعیت‌های فعلی انتشار گازهای گلخانه‌ای را منعکس می‌کند. با اینکه در چند سال گذشته میزان انتشار کشورهای توسعه‌یافته ثابت مانده و انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشورهای در حال توسعه چند برابر شده، با این حال، تاکنون اقدام مثبتی در زمینه اصلاح تقسیم‌بندی کشورهای در حال توسعه برای دارا شدن تعهدات متفاوت صورت نگرفته است (Parikh & Baruah, 2012: 67). در نتیجه، بسیاری از حقوقدانان بر این اعتقادند که تلاش‌ها و مذاکرات جهانی بدون تعریف منصفانه، مؤثر و قابل پذیرش برای همگان که حدود مشارکت کشورهای در حال توسعه را دقیقاً معین کند، محکوم به شکست است (Walsh et al., 2011: 265-66).

از آنجا که اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت پایه اصلی تمام اقدام‌های حقوقی بین‌المللی برای مقابله با تغییر اقلیم به حساب می‌آید، کارایی کل نظام بین‌المللی تغییر اقلیم به آن بستگی تام دارد. در واقع، هر علتی که سبب کاهش کارایی اصل مزبور شود، می‌تواند به کاهش

1. Organization of Economic Co-operation and Development (OECD)

2. Countries in Transition to Market Economy

تأثیر اقدام‌های بین‌المللی برای توقف یا کاهش تغییر اقلیم منجر شود و حتی فروپاشی این نظام را در پی داشته باشد. در این مقاله ضمن تشریح پدیده تغییر اقلیم و آثار آن و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، برخی عواملی که از مطلوبیت این اصل برای حکومت بر نظام بین‌المللی تغییر اقلیم کاسته و کارایی آن را به چالش کشیده‌اند، تحلیل شده‌اند. بی‌شک نواقص و کاستی‌های این اصل تبعات جدی برای کل بشریت در پی خواهد داشت؛ از این رو بازنگری در تفسیر و اجرای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت برای انطباق هرچه بیشتر با واقعیت‌های موجود، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

## تغییر اقلیم و آثار آن

نظام (سیستم) طبیعی آب‌وهوایی شامل مجموعه جو، خاک، آب و سطوح یخ‌زده است که با یکدیگر در ارتباط متقابل قرار دارند. این نظام همانند سایر نظام‌های طبیعی، سیستمی پویاست؛ از این رو در اثر تغییر در بخشی از این نظام، لاجرم تغییراتی در سایر بخش‌های آن ایجاد می‌شود. در حالت معمول نظام طبیعی آب‌وهوایی می‌تواند آثار وارده را خنثی کند، اما اگر شدت تغییرات فزونی یابد، از حد کنترل و انطباق خارج می‌شود و تغییر اقلیم روی می‌دهد (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴). این تغییرات که می‌تواند ناشی از عوامل طبیعی یا عوامل انسانی باشد، پدیده‌ای اتمسفری-اقیانوسی است و در مقیاس سیاره‌ای رخ می‌دهد (وارثی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

از سال ۱۸۹۶ که دانشمند سوئدی اسوانت آرنیوس<sup>۱</sup> نظریه گرمایش جهانی ناشی از تغییر اقلیم را مطرح کرد، این پدیده مسئله‌ای شناخته شده برای بشر است. با این حال، به تازگی متوجه شده‌ایم که بر اثر فعالیت‌های انسانی خطر تغییر اقلیم در مقیاس جهانی نیز ممکن است وجود داشته باشد (کاوایی و علیجانی، ۱۳۹۵: ۳۳). فعالیت‌های انسانی در قالب دامداری صنعتی، قطع درختان جنگلی، توسعه مناطق مسکونی، احداث سدهای بزرگ آبیاری، خشکانیدن باتلاق‌ها، مصرف فزاینده سوخت‌های فسیلی در کارخانه‌های صنعتی، وسایل نقلیه موتوری و سیستم‌های حرارتی خانگی و غیره، مقادیر عظیمی از گازهای گلخانه‌ای را در جو زمین منتشر می‌کند. این مسئله، به افزایش میزان سپیدایی سیاره‌ای<sup>۲</sup> و اثر گلخانه‌ای در جو منتهی می‌شود و با افزایش دمای زمین، روند آب‌وهوایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هاردی، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۷).

خطر طغیان رودها و دریاها در مقیاس بسیار وسیع، مناطق ساحلی پرجمعیتی مانند بنگلادش، سواحل کارائیب، خلیج مکزیک، فلوریدا، سواحل جنوبی آمریکا و سواحل هند را

1. Svante Arrhenius

۲. آلبدو (Albedo) یا سپیدایی، درصد بازتاب نور از سطح یک جسم است. برای مثال سپیدایی سیاره زمین به عنوان یک جسم - ۰/۳۷ است؛ یعنی کره زمین ۳۷ درصد انرژی خورشید را منعکس و ۶۳ درصد آن را جذب می‌کند.

به شدت تهدید می‌کند و شهرها و حتی کشورهای متعددی -مانند مالدیو- در خطر محو از نقشه جغرافیا قرار گرفته‌اند. بارش بیشتر باران در مناطقی از جهان مانند اسکانندیناوی، سیبری و کانادا کشاورزی را در آن مناطق رونق خواهد داد، لکن خشک و غیرقابل استفاده شدن خاک نواحی میان‌قاره‌ای -مانند ایران- اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. ذوب نواحی توندرای قطب شمال و یخچال‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها، از بین رفتن پوشش گیاهی و آزاد شدن متان و دی‌اکسید کربن بیشتر در هوا، زوال گونه‌های وحشی، فرسایش روزافزون خاک، کاهش ذخایر آب شیرین، افزایش بیماری‌های مناطق گرمسیری مانند مالاریا همگی بخشی از آثاری هستند که پیش‌بینی می‌شود در اثر تغییر اقلیم در جهان حادث شوند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۲). تحلیل لایه اوزون خود معضل بزرگی است که شیوع سرطان چشم در چارپایان گوشتی، انواع آلرژی و نابودی بسیاری از گونه‌های گیاهی راهبردی مانند گندم، برنج و ذرت را در پی خواهد داشت (Anwar *et al.*, 2016: 132-34). همچنین تغییر اقلیم زمینه مساعدی برای نقض گسترده حقوق بشر در اقصی نقاط جهان فراهم می‌آورد و هرچه این تغییرات شدیدتر شود، نقض حقوق متنوع بشر نیز شدیدتر و گسترده‌تر می‌شود (Azizi *et al.*, 2017: 135)

از سوی دیگر گرم‌تر شدن کره زمین احتمال وقوع خشکسالی‌های شدید در اقصی نقاط جهان را افزایش می‌دهد هر گونه تغییر در چرخه آبی می‌تواند میلیاردها دلار به طرح‌های مربوط به مدیریت آب خسارت وارد کند. حتی این امکان وجود دارد تا نتایج اقتصادی و اجتماعی وخیمی گریبانگیر کشورها شود و کشمکش‌های بین‌المللی -به‌ویژه بر سر منابع آب شیرین- رخ دهد. در حقیقت آثار تغییر اقلیم به مسائل طبیعی محدود نمانده و اخیراً با مسائل صلح و امنیت بین‌المللی نیز ارتباط یافته است. شاهد این مدعا نشست وزارتی شورای امنیت در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ به ابتکار وزیر خارجه وقت بریتانیاست که در آن مسئله تأثیر تغییر اقلیم و انرژی بر امنیت بین‌المللی بررسی شد (Spring *et al.*, 2014: 43-44) ارتباط تغییر اقلیم با صلح و امنیت بین‌المللی، مسئله امنیت انسانی را نیز پیش کشیده است که نیاز به دخالت نظام حقوق بین‌الملل برای رویارویی با این پدیده را آشکار می‌سازد. در واقع می‌توان تغییر اقلیم را براساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار آورد (بیگزاده و افشاری، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

## شکل‌گیری و تثبیت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در نظام

### بین‌المللی تغییر اقلیم

تکامل اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت تنها به نظام بین‌المللی تغییر اقلیم منحصر نیست. اگرچه این اصل در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست ظهور کرده، مفهوم آن در نظام عمومی

حقوق بین‌الملل نیز توسعه یافته است. در نظام محیط زیستی بین‌المللی، نقطه آغازین برای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، کنفرانس ملل متحد بر محیط زیست انسان در استکهلم (۱۹۷۲) محسوب می‌شود. اگرچه در اعلامیه نهایی این کنفرانس به صراحت از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نامی برده نشده است، لکن مفهوم کلی اصل به‌خوبی در آن منعکس است. از دیگر مراحل اولیه رشد و شکل‌گیری اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، می‌توان به گزارش نهایی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه موسوم به کمیسیون برنتلند<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) و اعلامیه پایانی کنفرانس وزیران بر آلودگی جوی و تغییر اقلیم (۱۹۸۹) موسوم به اعلامیه نوردویک<sup>۲</sup>، اشاره کرد.

در سال ۱۹۹۲ کنفرانس ملل متحد بر محیط زیست و توسعه<sup>۳</sup> که با عنوان «اجلاس زمین»<sup>۴</sup> نیز مشهور است، در ریودوژانیرو برزیل برگزار شد. در میان اسناد متعدد این کنفرانس، اعلامیه توسعه پایدار ریو شایان توجه است. با توجه به رابطه تنگاتنگ مفهوم توسعه پایدار و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، اصل ۷ این اعلامیه به صراحت از اصل مزبور نام می‌برد و آن را از منظر مشارکت‌های متفاوت در تخریب و زوال محیط زیست، به رسمیت می‌شناسد. مع‌هذا، شاید مهم‌ترین دستاورد کنفرانس ریو، کنوانسیون ساختاری ملل متحد بر تغییر اقلیم<sup>۵</sup> باشد که زمینه را برای قانونگذاری و همکاری‌های بین‌المللی به منظور مقابله با تغییر اقلیم فراهم ساخته است و امروزه نیز پس از گذشت نزدیک به سه دهه، همچنان پایه و اساس مذاکرات و توافقات بین‌المللی در حوزه تغییر اقلیم به‌شمار می‌رود (مسعودی، ۱۳۹۴: ۱۴۲-۱۴۱).

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در ماده ۳ کنوانسیون ساختاری جای گرفته است. براساس بند ۱ این ماده: «اعضا باید نظام اقلیمی را به نفع نسل‌های حاضر و آینده بشر، براساس انصاف و با توجه به مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و قابلیت‌های آنها، حفظ کنند. از این‌رو، کشورهای توسعه‌یافته عضو می‌بایست در مبارزه با تغییر اقلیم و آثار نامطلوب آن پیشرو باشند». نکته شایان توجه در این بند آن است که عبارت «قابلیت‌های مربوطه»<sup>۶</sup> به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت اضافه شده است. این تلاشی از سوی کشورهای توسعه‌یافته بود تا از بار منفی «مسئولیت تاریخی» خود شانه خالی کنند و مسئولیت خود را با عنصر مثبت «قابلیت‌ها»

1. Final Report of World Commission on Environment and Development (Brundtland Commission)
  2. Ministerial Conference on Atmospheric Pollution and Climate Change, Noordwijk, Netherlands, 1989.
  3. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED)
  4. Earth Summit
  5. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)
- این کنوانسیون در ۲۱ مارس ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد و تا اگوست ۲۰۱۸، ۱۹۸ کشور -از جمله ایران- این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند. هدف غایی کنوانسیون ساختاری و هر توافق بین‌المللی دیگری که براساس این کنوانسیون شکل گرفته یا بگیرد، تثبیت و سپس کاهش غلظت گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر تا سطحی است که از تداخل خطرناک فعالیت‌های بشری با سیستم طبیعی آب‌وهوایی کره زمین، جلوگیری کند.
6. Related Capacities

بپذیرند؛ بدون آنکه از بهره‌برداری و استفاده عظیم تاریخی کشورهای توسعه‌یافته از سوخت‌های فسیلی نامی برده شود (Deletuil, 2012: 273). همچنین براساس مقدمه کنوانسیون ساختاری با توجه به اینکه «میزان انتشار سرانه کشورهای در حال توسعه هنوز پایین است، سهم این کشورها در انتشار جهانی باید افزایش یابد تا بتوانند نیازهای اجتماعی و توسعه‌ای خود را برطرف سازند». بدان معنا که یک جواز تصدیق شده اما غیردقیق و نامعین، برای کشورهای در حال توسعه وجود دارد تا بتوانند توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را تسهیل کنند.

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت پس از کنوانسیون ساختاری، در پروتکل کیوتو و توافقنامه آب‌وهوایی پاریس نیز اصل اساسی محسوب شده است. همچنین همان‌گونه که ذکر شد، ماهیت و مفهوم کلی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به نظام بین‌المللی مقابله با تغییر اقلیم محدود نبوده و در سایر نظام‌های حقوقی بین‌المللی و اسناد مرتبط با آنها، بنابر ضرورت، به کار رفته است که در این میان می‌توان به کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی، اسناد سازمان جهانی تجارت و غیره اشاره کرد.

### ۱. اجزای تشکیل‌دهنده اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دارای دو مؤلفه اصلی است: مسئولیت مشترک تمامی ملت‌ها و دولت‌ها برای مقابله با تغییر اقلیم و مسئولیت‌های متفاوت هر یک از بازیگران دخیل در این عرصه. در وهله نخست، این اصل مشخص می‌سازد که مسئولیت مبارزه با تغییر اقلیم همگان را در برمی‌گیرد و حتی موظف می‌سازد. این اشتراک در مسئولیت‌ها از این حقیقت ساده نشأت گرفته است که تمامی کشورها تحت تأثیر آثار نامطلوب تغییر اقلیم قرار گرفته یا خواهند گرفت (Stone, 2009: 280). از این رو قانونگذاری و سیاست‌های ملی در مورد مسئله تغییر اقلیم را نمی‌توان مسئله‌ای صرفاً داخلی تلقی کرد. بنابراین، هر گونه تصمیم‌گیری در این خصوص باید از طریق کل جامعه بین‌المللی صورت پذیرد (Honkonen, 2009: 710). در واقع، مسئولیت‌های مشترک ارتباط نزدیکی با مباحث «میراث مشترک بشریت»<sup>۱</sup> و «نگرانی‌های مشترک بشریت»<sup>۲</sup> دارد که در اسناد بین‌المللی فراوانی منعکس شده‌اند (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۰۸).

از دیگر سو، مسئولیت‌ها در عین مشترک بودن، برای کشورهای مختلف، متفاوت‌اند. بخشی از این متفاوت بودن را می‌توان به این حقیقت نسبت داد که کشورهای مختلف امکانات و منابع متفاوت و نابرابری برای مقابله با تغییر اقلیم در اختیار دارند (Honkonen, 2009: 711). همچنین از آنجا که کشورها به لحاظ مشارکتی که در ایجاد تغییر اقلیم داشته‌اند، با یکدیگر تفاوت دارند،

1. Common Heritage of Mankind.  
2. Common Concern of Human Being



جنبه متفاوت بودن اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می‌تواند براساس تفاوت‌های تاریخی کشورهای مختلف شکل بگیرد (Chircop & McDorman, 2010: 210). افزون بر این براساس اصل ۶ اعلامیه ریو، نیازهای خاص کشورهای دارای محیط زیست بسیار آسیب‌پذیر نیز می‌تواند مبنایی برای متفاوت‌سازی مسئولیت‌ها قلمداد شود. برای مثال، قرار گرفتن کشوری در معرض بالا آمدن آب دریا، می‌تواند تعهدات سنگین‌تری برای کشور دیگر برای حل مسئله مذکور به‌دنبال داشته باشد، حتی اگر کشور اخیر در آن اندازه در معرض تأثیر و خطر نباشد.

ماده ۴ کنوانسیون ساختاری، تعهدات تمامی اعضا و تعهداتی را که صرفاً بر عهده «دول توسعه‌یافته و سایر اعضای مندرج در فهرست ۱» است، بیان می‌کند. هرچند تمامی دولت‌های عضو باید انتشار ملی گازهای گلخانه‌ای خود را ثبت کنند، برنامه‌های کاهش انتشار ایجاد و اقدام‌های منطبق‌سازی را تسهیل کنند؛ تنها گروه کشورهای عضو ضمیمه ۱ متعهد به اتخاذ سیاست‌ها و اقدام‌های واکنشی برای کاهش آثار تغییر اقلیم از طریق محدود ساختن انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند. در حقیقت مسئولیت کاهش تغییر اقلیم و آثار نامطلوب آن بر عهده کشورهای مندرج در ضمیمه ۱ گذارده شده است. هرچند، اهداف تعیین‌شده اغلب قوام‌نیافته<sup>۱</sup> و چارچوب‌های زمانی نیز مبهم و نامعلوم‌اند (Huggins & Karim, 2016: 448). پروتکل کیوتو نیز تنها سهم کشورهای توسعه‌یافته برای انتشار را تعیین کرد و تعهد الزام‌آوری را بر دوش سایر دول قرار نداد. تعهدات مندرج در توافقنامه آب‌وهوایی پاریس هم از اهداف تعیین‌شده ملی که داوطلبانه از سوی کشورهای درحال توسعه قابل پذیرش هستند، پا را فراتر نمی‌گذارد.

از دیگر مظاهر مسئولیت متفاوت در کنوانسیون ساختاری، مسئله کمک‌های مالی و انتقال فناوری است. تعهدات مربوط به این حوزه بر عهده کشورهای عضو ضمیمه ۲ کنوانسیون است، یعنی زیرمجموعه‌ای از کشورهای عضو ضمیمه ۱. براساس ماده (۱)۱۲، تمامی کشورهای عضو باید انتشار ملی خود را مطابق ماده (الف)۴(۱)، ثبت و به اشتراک بگذارند. در مقابل، کشورهای عضو ضمیمه ۲ متعهدند تا برای اجرای تعهدات دول در حال توسعه در این زمینه، منابع مالی را تأمین کنند و فناوری لازم را انتقال دهند. افزون بر این با تصدیق صریح مقدمه کنوانسیون ساختاری مبنی بر دارا بودن بیشترین سهم تاریخی و فعلی انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشورهای توسعه‌یافته، این کشورها موظف‌اند تا به آن دسته از ملت‌های در حال توسعه‌ای که به‌طور ویژه در مقابل تغییر اقلیم آسیب‌پذیرند، کمک‌های مالی برای اقدام‌های منطبق‌سازی ارائه کنند. در واقع این حمایت‌های مالی و فنی کلید دستیابی به توافق منصفانه است (Climate Action Network, 2013: 4). برای نمونه، کنفرانس شانزدهم اعضای کنوانسیون ساختاری در کانکون<sup>۲</sup> مکزیک (۲۰۱۰) صندوق اقلیم سبز<sup>۱</sup> را به‌منظور تأمین مالی بلندمدت

1. Soft Law  
2. Cancun

پروژه‌ها و برنامه‌های اقلیمی، ظرفیت‌سازی و تدابیر منطبق‌سازی در کشورهای در حال توسعه تأسیس کرد. سرمایه اولیه این صندوق که ۱۰/۲ میلیارد دلار بود، اغلب توسط کشورهای توسعه‌یافته تأمین شد. همچنین توافقنامه پاریس مجموعه‌ای از تعهدات الزام‌آور را بر دوش کشورهای توسعه‌یافته می‌گذارد تا منابع مالی را برای کمک به کشورهای در حال توسعه به منظور کاهش انتشار و نیز منطبق‌سازی فراهم آورند. سایر دولت‌ها نیز به ارائه حمایت‌های مالی تشویق شده‌اند. این توافقنامه تأکید می‌کند که کشورهای توسعه‌یافته باید در تأمین مالی نظام بین‌المللی اقلیمی از طریق منابع و کانال‌های گوناگون پیشگام باشند، و در این زمینه نقش شایان توجه و پراهمیت صندوق‌های بین‌المللی، مانند صندوق اقلیم سبز، را یادآور شده است. مهم‌تر آنکه هدفی جمعی مبنی بر تأمین حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار در سال تا قبل از سال ۲۰۲۵ تعیین شد، تا به نیازهای خاص و اولویت‌های کشورهای در حال توسعه اختصاص یابد. توافقنامه پاریس گامی به جلو برای ارائه اطلاعات دقیق و شفاف از سوی کشورهای توسعه‌یافته به منظور حمایت، پشتیبانی و تجهیز کشورهای در حال توسعه، برداشته است.

## ۲. موانع و چالش‌های اجرایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت

### ۲.۱. نحوه متفاوت‌سازی مسئولیت‌ها

براساس اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، دو عامل تعهدات یک دولت را در قبال تغییر اقلیم مشخص می‌کند. اولین عامل مشارکت خاص در تغییر اقلیم از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای؛ و دومین عامل ظرفیت‌های اقتصادی و فنی آن دولت در کاهش انتشار چنین گازهایی است (Posner & Sunstein, 2008: 1602-1603). این اصل اغلب شکل گرفته است تا سطوح «انتشار ملی» یا «انتشار سرانه» گازهای گلخانه‌ای مقایسه شوند. مشکل این شاخص‌ها این است که اگرچه ممکن است برخی جنبه‌های مسئولیت را منعکس سازند، هر دو در سایر جنبه‌ها کارایی خود را از دست می‌دهند. سهم هر کشور در انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای جنبه «مشارکت تسبیبی»<sup>۲</sup> مربوط به مسئولیت‌های کشورها را روشن می‌کند. لکن، سایر جنبه‌هایی که بالقوه مرتبطاند - مانند جمعیت - را منعکس نمی‌سازد. میزان انتشار سرانه هر کشور از سوی دیگر، منعکس‌کننده عامل جمعیت هر کشور است، اما در انعکاس مشارکت تسبیبی ناتوان است. برای مثال براساس انتشار سرانه، مسئولیت‌های نسبتاً مشابهی ممکن است بر عهده کشورهایمانند چین به‌عنوان یک کشور در حال توسعه و لتونی (لاتویا) به‌عنوان یک کشور عضو ضمیمه ۱، با انتشار سرانه مشابه (میانگین انتشار مابین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۴)، قرار گیرد. این مسئله با

1. Green Climate Fund (GCF)

2. Causal Contributions

میزان انتشار کل هریک از این کشورها تعارض معناداری دارد؛ چراکه میانگین کل انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط چین در این سال‌ها، بیش از ۵۰۰ برابر کشور لتونی بوده است.<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر تلاش شده تا شکاف میان مسئولیت‌های کشورهای عضو ضمیمه ۱ و کشورهای غیرعضو این ضمیمه تا حدودی پر شود. برای مثال، براساس توافقنامه پاریس کشورهای در حال توسعه باید اقدام‌های متناسب کاهشی ملی را در قالب مشارکت تعیین شده ملی<sup>۲</sup> به انجام برسانند. به اعتقاد کشورهای در حال توسعه تقسیم کشورها به دو گروه کشورهای عضو ضمیمه ۱ و کشورهای غیرعضو ضمیمه ۱، برای متمایزسازی کفایت می‌کند. این در حالی است که برخی کشورها به دنبال لحاظ کردن شاخص‌های دیگری مانند حجم کل انتشار گازهای گلخانه‌ای، انتشار براساس هر واحد تولید ناخالص ملی، جمعیت و توسعه فنی برای برقراری مسئولیت‌های متفاوت میان کشورها هستند (Ciplet et al., 2013: 51). در واقع، نحوه متفاوت‌سازی مسئولیت‌ها مورد اعتراض کشورهای توسعه یافته بوده و این مسئله می‌تواند به کاهش مشارکت آنها در اقدام جهانی علیه تغییر اقلیم منجر شود. البته روشن است که این چالش ریشه در شیوه دسته‌بندی کشورها دارد.

### دسته‌بندی کشورها با تکیه بر تولید ناخالص ملی و انتشار تاریخی

مسئولیت‌های دولت‌های مختلف در مقابله با تغییر اقلیم براساس طبقه‌بندی مندرج در ضمیمه ۱ کنوانسیون ساختاری ملل متحد، از یکدیگر متمایز شد. ضمیمه ۱ این کنوانسیون متشکل از ۴۳ کشور عضو شامل تمامی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۹۲، به علاوه تعدادی از سایر کشورهای در حال انتقال به بازار، است. به دیگر سخن، تمامی دولت‌هایی که نامشان در ضمیمه ۱ فهرست نشده است، کشورهای غیرعضو ضمیمه ۱ محسوب می‌شوند. واضح است که مهم‌ترین شاخص برای قرار گرفتن یک کشور در ضمیمه مذکور، سطح توسعه اقتصادی آن کشور در آن زمان بوده است (Deleuil, 2009: 278). امروزه، برخی از کشورهای عضو ضمیمه ۱ کنوانسیون ساختاری اظهار می‌دارند که این دسته‌بندی دوگانه منعکس کننده همه واقعیت‌های موجود نیست. برای نمونه استدلال می‌کنند که سرانه تولید ناخالص داخلی تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه -مانند کشورهای ثروتمند حوزه خلیج فارس- بیشتر از این سرانه در برخی کشورهای عضو ضمیمه ۱ است. طبقه‌بندی اولیه به نحوی که ذکر شد، در پروتکل کیوتو نیز دست‌نخورده باقی ماند. اغلب

۱. برای دیدن و مقایسه آمارهای مختلف در این زمینه ببینید:

World Development Indicators: Energy Dependency, Efficiency and Carbon Dioxide Emissions.  
Available from: <https://wdi.worldbank.org/table/3.8>

2. Intended Nationally Determined Contribution (INDC)

کشورهای عضو ضمیمه ۱ با اهداف الزام آور حقوقی به منظور محدودسازی یا کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای خود، موافقت کردند. کشورهای غیرعضو ضمیمه ۱ نیز پروتکل را تصویب کردند، لکن نه تنها مشمول هیچ یک از اهداف الزام آور حقوقی برای محدودسازی یا کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، نبودند، بلکه با توجه به نیازهای توسعه‌ای خود، حتی قادر به افزایش تولید نیز هستند. از این رو تعهدات مشترک کشورهای غیرعضو ضمیمه ۱ کنوانسیون ساختاری مورد انتقاد قرار گرفته و صوری انگاشته می‌شوند (Honkonen, 2009: 233).

رویکرد توافقنامه آب‌وهوایی پاریس نیز تفاوت چندانی با دو معاهده پیشین ندارد. در حالی که انتظار می‌رود کشورهای توسعه یافته، میزان آلاینده‌ی خود را به گونه‌ای چشمگیر کاهش دهند، کشورهای در حال توسعه تنها «تشویق» شده‌اند تا متناسب با افزایش توانمندی‌هایشان، به تدریج برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اقدام کنند. این کشورها تا زمانی که به آن درجه از توانمندی برسند، فقط باید مراقبت کنند که همزمان با رشد اقتصادی، انتشار گازهای گلخانه‌ای را افزایش ندهند. براساس این توافقنامه میزان مشارکت هر کشور توسط همان کشور تعیین می‌شود؛ لکن هیچ سازوکاری برای وادار کردن یک کشور برای تعیین مشارکت ملی آنها در بازه زمانی معین وجود ندارد و هیچ اجباری نیز برای اجرای اهداف تعیین شده در نظر گرفته نشده است. از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نیز تنها یک بار در توافقنامه پاریس نام برده شده است؛ لکن محتوا و مفهوم آن در جای جای این توافقنامه به چشم می‌خورد. علاوه بر ماده ۲(۲) که به طور مشخص از اصل مزبور نام برده، محتوای اصل در مقدمه و مواد ۳، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ به روشنی گنجانده شده است. البته هیچ گونه تغییری در نحوه دسته‌بندی کشورها یا جابه‌جایی از گروهی به گروه دیگر دیده نمی‌شود؛ از این رو نمی‌توان توقع تغییر زیادی را در پویایی نظام بین‌المللی تغییر اقلیم داشت.

## پیدایش اقتصادهای نوظهور

تمامی اسناد تشکیل‌دهنده نظام بین‌المللی تغییر اقلیم، تنها کشورهای توسعه‌یافته عضو ضمیمه ۱ کنوانسیون ساختاری را متعهد به عدم تجاوز از سطح تعیین شده انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌سازند. این در حالی است که اقتصادهای نوظهور، از اعضای ضمیمه ۱ به حساب نمی‌آیند. برای مثال چین به عنوان بزرگ‌ترین منتشرکننده فعلی گازهای گلخانه‌ای، منشأ انتشار حدود ۳۰ درصد گازهای گلخانه‌ای در جهان<sup>۱</sup> بوده و در عین حال از قدرت اقتصادی و فنی بسیار زیادی نیز برخوردار است. براساس منطقی موجود در اصل مسئولیت مشترک اما

1. See: Ritchie, Hannah & Roser, Max, (2017), "CO2 and other Greenhouse Gas Emissions", Our World in Data. Available from: <http://ourworldindata.org/co2-and-other-greenhouse-gas-emissions>

متفاوت انتظار می‌رود که این کشور مسئولیتی کمابیش متناسب با این سهم و قابلیت برای مقابله با تغییر اقلیم بر عهده داشته باشد. لکن عضویت خودخواسته این کشور در گروه کشورهای غیرعضو ضمیمه ۱ سبب شده است تا هیچ تعهد الزام‌آوری برای کاهش انتشار براساس نظام بین‌المللی تغییر اقلیم، بر عهده نداشته باشد. سایر اقتصادهای نوظهور مانند هند، برزیل، آفریقای جنوبی، اندونزی و غیره نیز از وضعیتی مشابه برخوردارند. وضعیت این کشورها در برخورد با مسئله تغییر اقلیم توانایی جامعه بین‌المللی برای مقابله با تغییر اقلیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چراکه سایر انتشاردهندگان گازهای گلخانه‌ای (به‌ویژه آمریکا) از فقدان تعهدات الزام‌آور برای چین و سایر اقتصادهای نوظهور، به‌منظور توجیه عدم مشارکت خود در نظام بین‌المللی تغییر اقلیم بهره می‌برند. شاهد این مدعا عدم پذیرش پروتکل کیوتو از سوی آمریکا و خروج این کشور از توافقنامه آب‌وهوایی پاریس است که به بهانه عدم کفایت تعهدات کاهش انتشار چین و سایر کشورهای در حال توسعه و در اعتراض به تداوم اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت صورت گرفت.

طبق گزارش مؤسسه پرایس واترهاوس کوپرز<sup>۱</sup> با عنوان «چشم‌انداز بلندمدت»، پیش‌بینی می‌شود تا سه دهه آینده چین گوی سبقت را در حوزه اقتصاد جهانی از آمریکا برپاید و به‌جای این کشور در جایگاه نخست اقتصادی جهان قرار گیرد. همچنین تا سال ۲۰۵۰ میلادی، چین و هند فاصله خود از آمریکا را به طرز چشمگیری افزایش خواهند داد. با وجود چنین پیش‌بینی‌هایی، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، به‌صورتی که اخیراً اجرا می‌شود، میان دولت‌های در حال توسعه، به‌گونه‌ای که اهمیت اساسی اقتصادهای نوظهور مورد توجه قرار گرفته باشد، تفاوتی قائل نمی‌شود. در واقع لازم است طبقه دیگری در این میان برای جای دادن آنها، طراحی شود تا این کشورها به‌عنوان انتشاردهندگان عمده، و بازیگرانی که مشارکتشان در نظام بین‌المللی تغییر اقلیم روی مشارکت و عملکرد سایر کشورها تأثیر می‌گذارد، تعهدات بیشتری بر عهده گیرند (نواری، ۱۳۹۳: ۵۱). مبارزه با تغییر اقلیم الزاماً یک مبارزه جهانی است و مشارکت کامل همه کشورها حیاتی است. از این‌رو جامعه بین‌المللی باید اعمال و کاربرد اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را بازنگری کند و مسئله پیدایش اقتصادهای نوظهور را به‌عنوان یک مسئله تأثیرگذار، مدنظر قرار دهد.

### تفسیر مبهم و اجرای ضعیف اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت از مقبولیت نسبتاً بالایی در جامعه بین‌المللی -به‌ویژه در میان کشورهای در حال توسعه- برخوردار است و به نقش محوری و مرکزی خود در مذاکرات

مربوط به تغییر اقلیم ادامه خواهد داد (Stone, 2009: 290). با این حال، انتقادهایی نیز به نحوه اجرا و تفسیر این اصل وارد شده است. این انتقادهای در واقع ناشی از تفسیر متفاوت از این موضوع است که چه چیزی برای کشورهای توسعه یافته یا کشورهای در حال توسعه مناسب و عادلانه است. هرچند برخی ابهامات علمی در مورد آثار تغییر اقلیم باقی مانده است، اما اتفاق نظر گسترده‌ای وجود دارد که کشورهای در حال توسعه آسیب‌های نامتجانس و نامتناسبی را به دلیل تغییر اقلیم متحمل خواهند شد. برخی مطالعات و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند، در صورتی که دمای زمین ۲/۵ درجه سانتی‌گراد افزایش یابد، کشورهای آفریقایی نزدیک به ۴ درصد تولید ناخالص داخلی‌شان را از دست خواهند داد؛ این مقدار برای کشورهای اروپایی ۲/۸۳ درصد و برای ایالات متحده آمریکا ۰/۴۵ درصد خواهد بود (Stone, 2009: 292).

برخی معتقدند اینکه از شهروندان روزگار مدرن بخواهیم تاوان آلودگی‌های منتشره توسط نسل‌های گذشته را بپردازند، مسئله‌ای ناعادلانه است. چنین استدلالی منافعی را که نسل‌های فعلی از زندگی در یک کشور توسعه یافته برده و همچنان نیز می‌برند، نادیده گرفته است. در واقع، سطح بالای استاندارد زندگی، ثبات مملکت، و قدرت اقتصادی همگی از آثار بعدی توسعه و صنعتی شدن است که از طریق انتشار مقادیر چشمگیری از گازهای گلخانه‌ای به دست آمده‌اند. از آنجا که شهروندان کشورهای توسعه یافته اکنون در حال لذت بردن از میوه‌های انتشار پیشین خود هستند، تنها راه عادلانه این است که از این ملت‌ها بخواهیم مسئولیت‌های سنگین‌تری را نیز برای حل مشکل تغییر اقلیم، بر عهده گیرند (Friman & Hjeper, 2015: 307).

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در اجرا نیز با مشکلاتی روبه‌روست. این مشکلات این مسئله را تداعی می‌کند که در صورت اصرار و پافشاری روی این اصل ملت‌های جهان اجازه نخواهند یافت تا با گرمایش جهانی به صورت مؤثری مقابله کنند. مطالعات جدید نشان می‌دهند که نرخ میزان انباشت گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر از مقدار مورد انتظار بیشتر است و دلیل اصلی آن رشد اقتصادی بسیار سریع چین و سایر اقتصادهای نوظهور ارزیابی می‌شود. از این رو کشوری مانند آمریکا مشارکت خود در نظام بین‌المللی تغییر اقلیم را مشروط به تفسیر دقیق‌تر و روشن‌تر از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می‌کند (Winkler & Rajamani, 2013: 8). بدان معنا که عمده تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای هر یک با دلیل و توجیه خاص خود از کاهش انتشار این گازها سر باز می‌زنند. در واقع، دولت‌ها در راستای منافع ملی خود و در جهت پذیرش حداقل تعهدات ممکن این اصل را تفسیر می‌کنند. این مسئله با توجه به وجود تفاوت‌های ماهوی در منافع ملی کشورهای مختلف، بر ابهام مفهوم اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می‌افزاید و اجرای آن را تضعیف می‌کند.

نظام آب‌وهوایی میان کشورهای در حال توسعه‌ای مانند برزیل، چین و هند با کشورهای همچون اتیوپی یا بوتسوانا تمایز خاصی قائل نیست. مهم‌ترین جایی که در آن میان کشورهای در

حال توسعه عضو تفاوت و تمایزی قائل شده‌اند، در آنجایی است که بر لزوم کمک به کشورهای که به صورت خاص در مقابل آثار نامطلوب تغییر اقلیم آسیب پذیرند، تأکید شده است. براساس ماده (۸) کنوانسیون ساختاری، اعضا در اقدام‌های خود براساس کنوانسیون بایست به نیازهای خاص برخی کشورهای در حال توسعه توجه ویژه داشته باشند. کشورهای جزیره‌ای کوچک، کشورهای ساحلی پست، کشورهای محاط در خشکی، کشورهای دارای آلودگی هوای بالا، کشورهای دارای اکوسیستم‌های شکننده، کشورهای در معرض خشکسالی شدید، کشورهای وابسته به سوخت‌های فسیلی و کشورهای مناطق خشک و نیمه‌خشک و نواحی در معرض نابودی جنگل‌ها در این زمره هستند. توافقنامه آب‌وهوایی پاریس نیز در مواد ۶، ۷، ۹ و ۱۱ خود امتیازهای مشابهی برای این دسته از کشورها در نظر گرفته است. لکن، این مسئله نیز در عمل مورد سوءاستفاده برخی دولت‌ها قرار گرفته تا از مزایای بیشتری برخوردار شوند. برای مثال، دولت چین با اشاره به محیط زیست شکننده، برخی مناطق ساحلی پست که در اثر بالا آمدن سطح آب به زیر آب خواهند رفت و مناطقی که در معرض پیشروی بیابان هستند، خود را به‌عنوان کشوری که به صورت خاص از تغییر اقلیم لطمه می‌بیند، توصیف کرده است؛ یعنی به‌عنوان کشوری که باید به آن توجه ویژه نشان داده شود. متأسفانه، زبان اسناد بین‌المللی در حوزه تغییر اقلیم آنقدر صراحت ندارند تا از چنین توصیف‌های غیرواقعی و زیرکانه جلوگیری کند. در واقع به‌روشنی مشخص نیست که کدام کشور باید موضوع تعهدات الزام‌آور قرار گیرد و کدام کشور باید توجهات ویژه دریافت کند (Hochstetler & Milkoreit, 2015: 211).

امروزه چین سردمدار انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان است و سایر اقتصادهای نوظهور نیز در فهرست انتشاردهندگان عمده گازهای گلخانه‌ای قرار دارند. در کمال تعجب، این مسئله کاملاً در انطباق با کنوانسیون ساختاری، پروتکل کیوتو، توافقنامه پاریس و تفسیر موجود از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت است و این کشورها را نمی‌توان به‌سبب عدم انطباق با اهداف نظام بین‌المللی تغییر اقلیم مسئول دانست (پورخاقان شاهرضایی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). امروزه انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشورهای در حال توسعه به‌حدی سریع در حال رشد است که حتی اگر تمام کشورهای توسعه‌یافته انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را به صفر کاهش دهند، انتشار دولت‌های در حال توسعه انباشت گازهای گلخانه‌ای در جو را در عرض شصت سال، ۱۸ درصد افزایش خواهد داد. چنین افزایشی نتایج غم‌انگیزی در پی خواهد داشت، چراکه انباشت گازهای گلخانه‌ای در دوپست سال گذشته ۳۵ درصد افزایش داشته و بحران فعلی تغییر اقلیم را به‌وجود آورده است (Friedrich & Damassa, 2014: 1-8). این حقایق زنگ خطر را در مورد قصور در درگیر ساختن کشورهای در حال توسعه در تلاش‌های درازمدت برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به صدا درآورده است. تداوم اجرای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به‌گونه‌ای که به انتشاردهندگان عمده در حال توسعه اجازه دهد تا از اهداف الزام‌آور کاهش

انتشار گازهای گلخانه‌ای احتراز کنند، سبب خواهد شد تا مقادیر شایان توجهی از گازهای گلخانه‌ای منتشر شده، قاعده‌مند نشود.

می‌توان گفت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت اغلب بر انتشار تاریخی کشورها و انباشت فعلی که ناشی از گازهای منتشره در زمان صنعتی شدن اقتصادهای بزرگ مانند آمریکا و اروپاست، تمرکز دارد.<sup>۱</sup> در واقع، انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه اقتصادهای نوظهور - در زمان حال و آینده - تحت پوشش حضور این کشورها در گروه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته و از دامنه شمول تعهدات حقوقی کاهش‌ی خارج شده است. اینکه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت منحصرأ نگاه به گذشته داشته باشد، برای مقابله مؤثر با پدیده‌ای به وسعت و شدت تغییر اقلیم، کافی نیست.<sup>۲</sup> بدون توجه به انتشار آینده گازهای گلخانه‌ای، اجرای فعلی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، بخش عمده‌ای از گازهای گلخانه‌ای منتشره را از مقررات کاهش‌ی بین‌المللی مستثنا کرده و تأثیرگذاری نظام بین‌المللی تغییر اقلیم را دچار مانع و اختلال می‌سازد. (Hochstetler & Milkoreit, 2015: 213-214).

### عدم انطباق اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت با اصل انصاف بین‌نسلی

حقوقدانان خوش‌بین نسبت به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، انطباق این اصل با اصل انصاف را یکی از امتیازهای بارز آن به‌شمار می‌آورند. براساس مقدمه و ماده ۳ کنوانسیون ساختاری، تمامی اعضا باید نظام اقلیمی را به نفع نسل حاضر و آینده بشر و براساس اصل انصاف حفظ کنند. هرچند ماده ۳ به‌روشنی بر رعایت انصاف بین‌نسلی در کنار انصاف درون‌نسلی تأکید می‌کند، کشورهای در حال توسعه با تأکید بر اصل انصاف و انتشار تاریخی کشورهای توسعه‌یافته بر ادامه قرائت فعلی از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت پافشاری می‌کنند (Stalley, 2013: 5). این حقیقت که بحران فعلی تغییر اقلیم منبعت از فعالیت‌های کشورهای توسعه‌یافته است، به این نتیجه‌گیری که بار مسئولیت مبارزه با این بحران باید بر دوش همین کشورها باشد، ظاهری منصفانه می‌بخشد. لکن روی دیگر چنین استنتاجی که براساس انصاف درون‌نسلی صورت گرفته، صدور مجوز برای انتشار روزافزون گازهای گلخانه‌ای توسط کشورهای در حال توسعه است.

۱. گزارش‌ها حاکی از آن است که آمریکا به لحاظ تاریخی بزرگ‌ترین انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای بوده است. تخمین زده می‌شود که ۲۹ درصد کل گازهای گلخانه‌ای منتشر شده تا کنون، توسط این کشور در جو انتشار داده شده است.

۲. مطالعات نشان می‌دهند که اقتصادهای نوظهور مانند جمهوری خلق چین، اندونزی، برزیل و هندوستان در سال ۲۰۳۰ بیش از ۵۵ درصد کل گازهای گلخانه‌ای را در جو منتشر خواهند ساخت.



در واقع باید میان انصاف درون نسلی و انصاف بین نسلی<sup>۱</sup> قائل به تفکیک شد. انصاف بین نسلی مفهومی ارزشی است که بر حقوق نسل‌های آتی بشر و متعاقب آن بقای نسل انسان تأکید دارد (Onuzo et al., 2013: 4-5). این مفهوم خود ریشه در سه اصل دارد؛ اول اینکه هر نسل ملزم به حفاظت از تنوع طبیعی و فرهنگی منابعی است که از نسل گذشته به ارث برده است؛ به نحوی که گزینه‌های در اختیار نسل‌های آتی برای حل مسائل و رفع نیازهایشان به‌طور ناروایی محدود نشود. به این مفهوم «اصل حفاظت از گزینه‌ها» اطلاق می‌شود. دوم، هر نسل ملزم به نگهداری کیفیت سیاره زمین به‌گونه‌ای که آن را از نسل قبلی به ارث برده است، است. این مفهوم به «اصل حفاظت از کیفیت» معروف است. در آخر، هر نسل باید حق دسترسی منصفانه اعضای خود را نسبت به میراث نسل گذشته فراهم کرده و این حق دسترسی را برای نسل آتی نیز حفظ کند. این همان مفهوم «اصل حفاظت از دسترسی» است (Shelton, 2012: 645).

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌های در حال توسعه را از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای معاف می‌سازد؛ چراکه آنها در ایجاد تغییر اقلیم نقش زیادی نداشته‌اند. با این حال، همین کشورها نقش عمده‌ای در تشدید تغییر اقلیم برای نسل‌های آتی بشر بر عهده دارند. در واقع، تغییر اقلیم که در آینده گستره و شدت بسیار بیشتری خواهد داشت و مبارزه با آن نیز بسیار سخت‌تر و پرهزینه‌تر خواهد بود، بیش از هر عاملی محصول انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای در حال توسعه است. عدم قاعده‌مندسازی چنین انتشاری علاوه بر کاهش کیفیت زمین، گزینه‌های در دسترس نسل‌های آینده برای مقابله با تغییر اقلیم و حق دسترسی آنها به میراث قبل از خود را به شدت محدود ساخته، و در نتیجه در مغایرت آشکار با انصاف بین نسلی است.

## نتیجه‌گیری

شواهد دقیق و انکارناپذیر علمی مؤید رخ دادن تغییر اقلیم در مقیاسی جهانی است. همچنین، کمتر شکی وجود دارد که عامل انسانی دلیل اصلی بروز چنین تغییراتی است. از آنجا که تغییر اقلیم تهدیدی جدی علیه بقای نوع بشر ارزیابی می‌شود، حقوق بین‌الملل برای انجام رسالت خود وارد عمل شده و از طریق معاهدات بین‌المللی، نظام حقوقی بین‌المللی تغییر اقلیم را بنیان نهاده است. این نظام توانسته قدم‌های نسبتاً مؤثری در مقابله با تغییر اقلیم بردارد. با این حال، ادامه و حتی تشدید تغییر اقلیم گویای این نکته است که نظام بین‌المللی تغییر اقلیم در دستیابی به اهداف خود، تا حدود زیادی ناتوان بوده است. از آنجا که نظام بین‌المللی تغییر اقلیم به شدت متأثر از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت است، می‌توان آن را از متهمان اصلی عدم موفقیت قابل قبول این نظام قلمداد کرد. البته ایده‌آ اولیه این اصل کاملاً منطقی و موجه

می‌نماید. در وهله نخست، این اصل به‌طور صحیح تأکید می‌کند که با توجه به جهانی بودن تغییر اقلیم، بسیج تمامی امکانات همه دولت‌ها ضرورت دارد. در ثانی، این اطمینان را می‌دهد که همه عوامل تأثیرگذار برای تعیین مسئولیت هریک از اعضای جامعه بین‌المللی، مانند انتشار تاریخی، سطح توسعه‌یافتگی، میزان آسیب‌پذیری و ظرفیت‌های مالی و فنی را لحاظ خواهد کرد. این تنها راهی بود که می‌توانست دیدگاه‌های متعارض موجود را به یکدیگر پیوند بزند و امکان مشارکت جهانی را برای مقابله با تغییر اقلیم فراهم آورد. با این حال، این اصل همچنان مورد مناقشه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است، و تفاسیر متفاوت هر گروه از این اصل را شاهدیم.

در واقع جامعه بین‌المللی نتوانسته است با استفاده از سازوکارهای اجرایی مناسب به اهداف اصلی خود از طراحی و تدوین اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، دست یابد. در بحث مسئولیت‌های مشترک، غالب مقررات به‌صورت توصیه باقی مانده‌اند. با اینکه روی سخن مسئولیت‌های مشترک با کشورهای در حال توسعه است، این کشورها با استناد به بُعد دوم اصل، یعنی مسئولیت‌های متفاوت، در عمل مسئولیت خاص و تأثیرگذاری بر عهده نداشته و حتی براساس سیاست‌های توسعه‌ای، مجاز به افزایش انتشار خود نیز هستند. این کشورها تنها ممکن است برخی اهداف کاهش‌ی را داوطلبانه و براساس برنامه‌های مشارکت ملی بر عهده بگیرند، که البته در قبال اجرای آن هم مسئولیت بین‌المللی بر عهده ندارند. از این‌رو قسمت اول اصل تا حدودی بی‌اثر به‌نظر می‌رسد. در مورد مسئولیت‌های متفاوت نیز، هرچند شاهد آنیم که میزان انتشار طرف اصلی این تعهدات یعنی کشورهای توسعه‌یافته، ثابت باقی مانده، لکن ابعاد دیگر این مسئولیت‌ها یعنی انتقال دانش و فناوری آب‌وهوایی به کشورهای در حال توسعه و پیشرو بودن در مقابله با تغییر اقلیم، فاقد سازوکارهای الزام‌آور، مؤثر و دقیق‌اند.

پیدایش اقتصادهای نوظهور مشکل اساسی دیگری را هویدا ساخته است. برای ایجاد تعهدات متفاوت برای دولت‌ها، لاجرم بایست کشورهای مختلف را دسته‌بندی کرد. لکن، دسته‌بندی موجود در نظام بین‌المللی تغییر اقلیم، با وجود تنها دو دسته، بیش از حد ساده‌انگارانه و دور از واقعیات موجود است. هرچند دسته کشورهای توسعه‌یافته نیز دسته‌ای همگن نیست، لکن وجود دو زیرمجموعه، یعنی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، تا حدودی تعادل را در گروه فراهم ساخته است. مشکل اصلی در گروه بسیار بزرگ کشورهای در حال توسعه است که هیچ‌گونه تعادل و همگنی در آن دیده نمی‌شود؛ برای مثال بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای یعنی چین، از وضعیتی مشابه کشورهای فقیر آفریقایی که نقشی در انباشت این گازها ندارند، برخوردار است. در واقع، تعهدات برخی دولت‌ها، متناسب با وضعیت واقعی آنها نیست. از این‌رو اولین گام برای افزایش کارایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، ایجاد دسته‌های جدیدی برای

طبقه‌بندی کشورهاست. دسته‌های متنوع‌تر انعطاف نظام بین‌المللی تغییر اقلیم را ارتقا می‌دهد و امکان ایجاد تعهدات متناسب‌تر را فراهم می‌آورد. البته نحوه عضویت در هر گروه خود مسئله‌ای تازه خواهد بود. بدون شک قاعده «خوداظهاری» فعلی و آزادی کشورها برای انتخاب گروه خود، نمی‌تواند راه‌حل مناسبی باشد. در واقع باید قرارگیری هر کشور در گروهی خاص را با تعهدات روشن و دقیق، از طریق فرمول‌های مشخصی قاعده‌مند ساخت. در طراحی چنین فرمول‌هایی علاوه بر مسئله انتشار تاریخی، باید میزان توسعه‌یافتگی و وضعیت اقتصادی، جمعیت، وسعت، میزان و فوریت آسیب‌پذیری در مقابل تغییر اقلیم، اقلیم خاص منطقه‌ای که کشور در آن قرار گرفته است و وضعیت خاص همسایگان، ظرفیت‌های طبیعی، مالی و فنی برای جایگزینی انرژی‌های فسیلی با منابع انرژی پاک، فرهنگ‌های در خطر نابودی بر اثر تغییر اقلیم، اتکا به صادرات سوخت‌های فسیلی، اکوسیستم‌های در خطر و ... را در نظر گرفت. هرچه تعداد عوامل تأثیرگذار بیشتر باشد، دقت این فرمول‌ها نیز افزایش می‌یابد.

با تحلیل محتوا و بررسی برخی کاستی‌های اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می‌توان دریافت که به دلیل فقدان مقررات دقیق و روشن و وجود ابهامات فراوان و تفسیرهای متفاوت و متناقض، این اصل نتوانسته به عنوان سلاحی مناسب در مقابل تغییر اقلیم عمل کند. از آنجا که اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت مانعی بر سر انتشار روزافزون کشورهایی چون چین و هند ایجاد نمی‌کند؛ مقادیر چشمگیری از گازهای گلخانه‌ای به صورت قانونی به جو افزوده می‌شود. در چنین شرایطی نمی‌توان به متوقف کردن تغییر اقلیم چندان دل بست. از سوی دیگر، در صورت ادامه حاکمیت اصل مزبور بر نظام تغییر اقلیم بعید نیست که دول توسعه‌یافته نیز به دلیل مزیت رقابتی که رقبای اقتصادی قدرتمند در حال توسعه آنها در انتشار آزاد و ارزان گازهای گلخانه‌ای از آن برخوردارند، راه آمریکا را در پیش بگیرند و از نظام بین‌المللی تغییر اقلیم خارج شوند یا دست کم از سطح تعهدات خود بکاهند. چنین مسئله‌ای می‌تواند حتی فروپاشی کل این نظام را در پی داشته باشد. بنابراین، وضعیت فعلی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت چندان دلگرم‌کننده نیست و از دیدگاه کلی نتوانسته در دستیابی به اهداف تعیین‌شده نظام بین‌المللی تغییر اقلیم راهگشا باشد، مگر آنکه شاهد اصلاحات کلی در اجرا و تفسیر اصل مزبور باشیم.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. پورهاشمی، علی؛ ارغند، بهاره (۱۳۹۴)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، چ اول، قم: دادگستر.
۲. عبدلهی، محسن و دیگران (۱۳۹۱)، *حقوق حفاظت از هوا*، چ اول، تهران: نشر میزان.

۳. کاویانی، محمدرضا؛ علیجانی، بهلول (۱۳۹۵)، *مبانی آب‌وهوا شناسی*، چ نوزدهم، تهران: سمت.
۴. مسعودی، علی (۱۳۹۴)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست؛ با تکیه بر نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه آن*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵. هاردی، جان تی (۱۳۹۱)، *تغییر اقلیم: علل، اثرات و راه‌حل‌ها*، ترجمه جمعی از مترجمان، چ دوم، تهران: گیسوم.

## ب) مقالات

۶. بیگزاده، ابراهیم؛ افشاری، مریم (۱۳۹۰)، «تغییرات آب‌وهوایی: از امنیت بین‌المللی تا امنیت انسانی در حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۴، ش ۱۰۷، ص ۲۱۱-۲۴۳.
۷. پورخاقان شاهرضایی، زینب (۱۳۹۶)، «مسئولیت بین‌المللی خسارات ناشی از تغییرات آب‌وهوایی»، *حقوق تطبیقی*، دوره ۵، ش ۱۰۷، ص ۹۱-۱۱۰.
۸. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۷)، «از مسئولیت حقوقی دولت‌ها تا مسئولیت اخلاقی آنها در زمینه مقابله با تغییرات آب‌وهوایی»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۰، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۳۳.
۹. عبدالمهدی، محسن؛ معرفی، سعیده (۱۳۸۹)، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *فصلنامه پژوهش حقوقی*، دوره ۱۲، ش ۲۹، ص ۲۰۰-۲۲۴.
۱۰. نواری، علی (۱۳۹۳)، «تأملی بر عملکرد جامعه بین‌المللی در برابر تغییرات آب‌وهوایی»، *پژوهش‌های محیط زیست*، دوره ۵، ش ۹، ص ۴۷-۵۸.
۱۱. وارثی، حمیدرضا؛ محمدی، بختیار (۱۳۸۶)، «نقش عوامل انسانی در تغییر اقلیم و ارزیابی اثرات آن»، *مجله فضای جغرافی*، دوره ۷، ش ۲۰، ص ۱۵۳-۱۳۱.

## ۲. انگلیسی

### A) Books

1. Chircop, Aldo et al. (2010), *The Future of Ocean Regime Building*, Aspen: Kluwer Law Publications.
2. Cullet, Philippe (2003), *Differential Treatment in International Environmental Law*, Farnham: Ashgate Publications.
3. Honkonen, Tuula (2009), *The Common but Differentiated Responsibility Principle in Multilateral Environmental Agreements: Regulatory and Policy Aspects*, Aspen: Kluwer Law International Pub.
4. Okowa, Phoebe (2009), *Environmental Law and Justice in Context*, Cambridge: Cambridge University Press.
5. Onuzo, Uchenna, et al. (2013), *Intergenerational Equity*, London, The London School of Economics and Political Science Publications.
6. Spring, Ursula Oswald et al. (2014), *Expanding Peace Ecology: Peace, Security,*

*Sustainability, Equity and Gender*, Berlin: Springer International Publications.

**B) Articles**

7. Anwar, Fakhra et al. (2016), "Causes of Ozone Layer Depletion and its Effects on Human: Review", *Atmospheric and Climate Sciences*, Vol. 6, No. 1, pp. 129-134.
8. Azizi, Ehsan et al. (2017), "Climate Change and its Effects on Right to Health and other Related Human Rights", *Journal of Health Sciences and Surveillance System*, Vol. 5, No.3, pp. 130-137.
9. Cipler, David et al. (2013), "The Politics of International Climate Adaptation Funding Justice and Divisions in the Greenhouse", *Global Environmental Politics*, Vol. 13, No. 1, pp. 49-68.
10. Deleuil, Thomas (2012), "The Common but Differentiated Responsibilities Principle: Change in Continuity after the Durban Conference of Parties", *Review of European Community & International Environmental Law*, Vol. 21, No. 1, pp. 271-281.
11. Friman, Mathias & Hjeper, Mattias (2015), "Agreement, Significance and Understanding of Historical Responsibility in Climate Change Negotiations", *Climate Policy*, Vol. 15, No. 3, pp. 302-320.
12. Harris, Paul G. & Symons, Jonathan (2013), "Norm Conflict in Climate Governance: Greenhouse Gas Accounting and the Problem of Consumption", *Global Environmental Politics*, Vol. 13, No. 1, pp. 9-29.
13. Hochstetler, Kathryn & Milkoreit, Manjana (2015), "Responsibilities in Transition: Emerging Powers in the Climate Change Negotiations", *Global Governance*, Vol. 21, No. 2, pp. 205-226.
14. Huggins, Anna & Karim, Md Saiful (2016), "Shifting Traction: Differential Treatment and Substantive and Procedural Regards in the International Climate Change Regime", *Transnational Environmental Law*, Vol. 5, No. 2, pp. 427-448.
15. Josephson, Per (2017), "Common but Differentiated Responsibilities in the Climate Change Regime: Historic Evaluation and Future Outlooks", Ph. D. thesis, Stockholm University, Stockholm, Sweden.
16. Kartha, Sivan et al. (2014), "The North-South Divide, Equity and Development: The Need for Trust Building for Emergency Mobilization", *Dag Hammarskjold Foundation, Development Dialogue* 61: 47-71.
17. Parikh, Jyoti & Baruah, Litul (2012), "A New Framework for the UNFCCC: Common but Differentiated Responsibilities among Non-Annex I Countries", *Economic & Political Weekly*, No. 47, pp. 67-72.
18. Posner, Eric A. & Sunstein, Cass R (2008), "Climate Change Justice", *Georgetown Law Journal*, No. 96, pp. 1565-1612.
19. Shelton, Dinah (2007), "Equity", *Oxford: The Oxford Handbook of International Environmental Law*, 1112, pp. 639-662.
20. Stalley, Philip (2013), "Forum: Principled Strategy: The Role of Equity Norms in China's Climate Change Diplomacy", *Global Environmental Politics*, Vol. 13,

No. 1, pp. 1-8.

21. Stone, Christopher D (2009), "Common but Differentiated Responsibilities in International Law", *American Journal of International Law*, Vol.98, No. 2, pp. 276-301.
22. Walsh, Sean et al. (2011), "China and India's Participation in Global Climate Change Negotiations", *International Journal of Politics, Law and Economics*, Vol. 11, No. 3, pp. 261-273.
23. Winkler, Harald & Rajamani, Lavanya (2013), "Common but Differentiated Responsibilities and Related Capacities in the Regime Applicable to All", *Climate Policy Journal*, Vol. 14, No. 1, pp. 1-20.

#### **C) International Instruments**

24. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (1972)
25. Final Report of World Commission on Environment and Development (Brundtland Commission) (1987)
26. Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change (1997)
27. Noordwijk Ministerial Declaration on Climate Change (1989)
28. Paris Climate Agreement (2015)
29. United Nations Convention to Combat Desertification (1994)
30. United Nations Framework Convention on Climate Change (1992)

#### **D) Internet Sources**

31. CAN (Climate Action Network) (2013). "Equality Reference Frameworks at the UNFCCC Process", CAN Discussion Paper. Available from: <http://gdrights.org/wp-content/uploads/2013/06/CAN-ERF-discussion-paper.pdf>
32. Friedrich, Johannes and Damassa, Thomas (2014). "The History of Carbon Dioxide Emissions", *World Resources Institute*. Available from: <http://www.wri.org/blog/2014/05/history-carbon-dioxide-emissions>
33. Ritchie, Hannah and Roser, Max (2017). "CO2 and other Greenhouse Gas Emissions", *Our World in Data*. Available from: <http://ourworldindata.org/co2-and-other-greenhouse-gas-emissions>